رویش روان شناسی، سال۱۵، شماره ۷، شماره پیاپی ۱۲۴، مهر ۱۴۰۵
*Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),15(7), 2026*

# نقش میانجی استرس والدینی در رابطه بین روان‌رنجورخویی مادران و اضطراب جدایی فرزندان دارای مشکلات رفتاری

# The Mediating Role of Parenting Stress in the Relationship Between Maternal Neuroticism and Separation Anxiety in Children with Behavioral Problems

**نهال اولادخطیب**
کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت، گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
**سید علی موسوی اصل** (نویسنده مسئول)
استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

**Nahal Olad Khatib**
Master of Science in Personality Psychology, Department of Psychology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
**Seyyed Ali Musavi Asl ***
Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Iran.
samusavi@pnu.ac.ir

## چکیده
پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی استرس والدینی در رابطه بین روان‌رنجورخویی مادران و اضطراب جدایی فرزندان دارای مشکلات رفتاری انجام شد. این پژوهش توصیفی_همبستگی از نوع مدلیابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش مادران مراجعه کننده به مراکز مشاوره و خدمات روانشناختی شهر تهران در سال ۱۴۰۴ بود که به‌دلیل وجود مشکلات رفتاری در کودکان خود به این مراکز مراجعه کرده بودند. ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند از ۵ مرکز به‌صورت حضوری در این پژوهش شرکت کردند. داده‌ها با استفاده از شاخص استرس والدینی- فرم کوتاه (PSI-SF؛ آبدین، ۱۹۹۰)، پرسشنامه شخصیت پنج عاملی نئو ـ فرم کوتاه (NEO-FFI؛ کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲) و نسخه والدین مقیاس اضطراب جدایی کودکان (CSAS-P؛ مندز و همکاران، ۲۰۲۲) جمع‌آوری شدند. تحلیل داده‌ها به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. یافته‌ها نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش مطلوب برخوردار بود؛ روان‌رنجورخویی و استرس والدینی مادران به‌طور مثبت با اضطراب جدایی فرزندان رابطه معنادار داشتند (P<۰/۰۵)؛ روان‌رنجورخویی مادران و استرس والدینی به‌طور مثبت رابطه مستقیم و معنادار داشتند (P<۰/۰۵). همچنین نتایج آزمون بوت استرپ نشان داد که استرس والدینی مادارن در رابطه بین روان‌رنجورخویی مادارن و اضطراب جدایی فرزندان نقش میانجی داشت (P<۰/۰۵). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که صفت شخصیت روان‌رنجورخویی مادارن به‌طور مستقیم و به واسطه افزایش استرس والدینی می‌تواند موجب افزایش اضطراب جدایی در فرزندان گردد.

***واژه‌های کلیدی:*** *روان‌رنجورخویی، استرس والدینی، اضطراب جدایی.*

## Abstract
The present study was conducted with the aim of determining the mediating role of parenting stress in the relationship between maternal neuroticism and separation anxiety in children with behavioral problems. This descriptive correlational study was conducted using structural equation modeling. The statistical population of the study consisted of mothers who visited counseling and psychological service centers in Tehran in 2025 due to their children's behavioral problems. 200 people participated in this study in person using purposive sampling from 5 centers. Data were collected using the Parenting Stress Index- Short Form (PSI-SF; Abidin, 1990), the NEO Five Factor Inventory (NEO-FFI; Costa and McCrae's, 1992), and the Children's Separation Anxiety Scale–Parent Version (CSAS-P; Méndez et al., 2022). Data analysis was performed using structural equation modeling. The findings showed that the proposed model had a favorable fit; Maternal neuroticism and parental stress were positively and significantly related to children's separation anxiety (P<0.05); maternal neuroticism and parental stress were positively and significantly related (P<0.05). Also, the results of the bootstrap test showed that maternal parental stress played a mediating role in the relationship between maternal neuroticism and children's separation anxiety (P<0.05). Overall, it can be concluded that maternal personality trait of neuroticism can lead to increased separation anxiety in children, both directly and through the mediation of increased parenting stress.

***Keywords:*** *Neuroticism, Parental Stress, Separation Anxiety.*

**نوع مقاله:** پژوهشی | **دریافت:** شهریور ۱۴۰۵ | **پذیرش:** شهریور ۱۴۰۵ | **ویرایش نهایی:** مهر ۱۴۰۵

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-09 ]

## مقدمه

اضطراب جدایی به ترس، نگرانی و آشفتگی شدید و نامتناسب کودک در هنگام جدایی یا پیش‌بینی جدایی از والدین یا سایر افراد دلبسته اشاره دارد و زمانی که شدت آن از سطح مورد انتظار در دوره رشدی کودک فراتر رود، می‌تواند به یک مشکل بالینی مهم تبدیل شود (شیل و دومشکه، ۲۰۲۱). این اختلال معمولاً با نگرانی مداوم درباره از دست دادن یا آسیب دیدن فرد دلبسته، بی‌میلی یا امتناع از ماندن در مهدکودک و مدرسه، دشواری در خوابیدن بدون حضور والدین و بروز نشانه‌های جسمانی هنگام جدایی همراه است (انجمن روانپزشکی آمریکا[1]، ۲۰۲۲). یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اضطراب جدایی در سال‌های کودکی شیوع قابل‌توجهی دارد و می‌تواند سلامت روان و سازگاری کودک با محیط‌های اجتماعی و آموزشی را تحت تأثیر قرار دهد؛ برای نمونه، در مطالعه تبعی و همکاران (۲۰۲۵)، شیوع اختلال اضطراب جدایی در کودکان شش ساله ۲۵/۳۳ درصد گزارش شده است. از سوی دیگر، نحوه واکنش والدین به اضطراب کودک نیز اهمیت دارد؛ به‌گونه‌ای که «همراهی و تسهیل خانوادگی» برای کاهش ناراحتی کودک با شدت بیشتر اضطراب جدایی ارتباط دارد و این رابطه در کودکانی با امنیت دلبستگی پایین‌تر قوی‌تر گزارش شده است (ویکز[2] و همکاران، ۲۰۲۶). تداوم اضطراب جدایی می‌تواند از طریق افزایش اجتناب تجربه‌ای و محدود کردن رفتارهای سازگارانه، مشارکت کودک در فعالیت‌های روزمره و استقلال متناسب با سن را مختل کند (لوباتو[3] و همکاران، ۲۰۲۶). افزون بر این، اهمیت اضطراب جدایی تنها به دوره کودکی محدود نمی‌شود، زیرا برخی شواهد نشان می‌دهند که تداوم این الگو در طول زمان می‌تواند با مشکلات هیجانی بعدی مرتبط باشد؛ در یک مطالعه بزرگسالان مبتلا به اختلالات خلقی و اضطرابی، اضطراب جدایی با بی‌لذتی و افزایش افکار و رفتارهای خودکشی ارتباط داشت (پینی[4] و همکاران، ۲۰۲۵). با توجه به نقش عوامل خانوادگی و دلبستگی در شکل‌گیری و تداوم اضطراب جدایی، توجه به ویژگی‌های والدین، به‌ویژه مادر، اهمیت ویژه‌ای دارد. مادر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع دلبستگی کودک، از طریق نحوه پاسخ‌دهی به هیجان‌ها و شیوه تعامل با کودک می‌تواند بر احساس امنیت و توانایی او برای تحمل جدایی اثر بگذارد (دالِر و واینراب[5]، ۲۰۰۵).

ویژگی‌های شخصیتی مادر، به‌ویژه روان‌رنجورخویی، می‌تواند از طریق تأثیر بر شیوه فرزندپروری، تنظیم هیجان و کیفیت تعامل مادر ـ کودک، در شکل‌گیری مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان نقش داشته باشد؛ در این راستا در پژوهشی نشان داده شد مادران با روان‌رنجورخویی بالا معمولاً حساسیت بیشتری نسبت به تهدید و هیجان‌های منفی دارند و ممکن است در موقعیت‌های جدایی، نگرانی و حمایت افراطی بیشتری نسبت به کودک نشان دهند (ساهیتیا[6]، ۲۰۲۰). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اضطراب مادر با اضطراب جدایی کودکان ۳ تا ۶ ساله ارتباط دارد (اورگیلس[7] و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین، روان‌رنجورخویی بالای والدین می‌تواند از طریق ایجاد محیط خانوادگی نامطلوب، بر کارکرد روانی ـ اجتماعی کودکان اثر گذاشته و خطر انتقال بین‌نسلی مشکلات هیجانی را افزایش دهد (النبوگن و هاجینز[8]، ۲۰۰۴). ویژگی‌های شخصیتی و افسردگی مادر نیز با مشکلات رشد عصب‌روان‌شناختی و رفتاری کودکان پیش‌دبستانی ارتباط نشان داده‌اند (کوترا[9] و همکاران، ۲۰۱۷). افزون بر این روان‌رنجورخویی مادر همچنین می‌تواند با افزایش اضطراب اجتماعی فرزندان مرتبط باشد (پانایوتو[10]، ۲۰۱۶). در مجموع، این یافته‌ها نشان می‌دهند که روان‌رنجورخویی مادر می‌تواند با افزایش واکنش‌پذیری هیجانی، نگرانی و رفتارهای حمایتی افراطی، زمینه آسیب‌پذیری کودک در برابر اضطراب جدایی و سایر مشکلات هیجانی ـ رفتاری را فراهم کند.

علاوه بر ویژگی‌های شخصیت مادر، استرس والدینی به‌ویژه استرس تجربه‌شده توسط مادر، می‌تواند از طریق تغییر در کیفیت تعامل والد ـ کودک و کاهش ظرفیت والد برای پاسخ‌دهی حساس و حمایتگرانه، زمینه‌ساز مشکلات هیجانی و رفتاری در کودکان شود. پژوهشی نشان داد که سطوح بالاتر استرس والدینی با پیامدهای نامطلوب اجتماعی و رفتاری در کودکان ارتباط دارد و افزایش استرس می‌تواند احتمال واکنش‌های والدگری نامناسب را افزایش دهد (کِرام و مورلند[11]، ۲۰۱۷). همچنین، تعارض خانوادگی یکی از مسیرهای مهمی است

1 American Psychiatric Association
2 Weeks
3 Lobato
4 Pini
5 Dallaire & Weinraub
6 Sahithya
7 Orgilés
8 Ellenbogen & Hodgins
9 Koutra
10 Panayiotou
11 Crum & Moreland

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-09 ]

که از طریق آن استرس والدینی می‌تواند بر پیامدهای رفتاری و هیجانی کودک اثر بگذارد (جونز[1] و همکاران، ۲۰۲۱). استرس والدینی ممکن است توانایی مادر برای تنظیم هیجان و پاسخ مناسب به نیازهای کودک را کاهش داده و در نتیجه، احساس ناامنی و وابستگی بیش از حد کودک را تقویت کند. در همین راستا، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کنترل روان‌شناختی وابسته‌محور والدین با اضطراب جدایی کودک ارتباط دارد و می‌تواند رابطه میان اضطراب والد و اضطراب کودک را تبیین کند (استون[2] و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین، حمایت افراطی والدین و نحوه شکل‌گیری منبع کنترل کودک از سازوکارهای مهم ارتباط اضطراب والد و کودک محسوب می‌شوند (یافه[3]، ۲۰۲۶). از سوی دیگر، استرس والدینی با کاهش شایستگی کودک و آمادگی پایین‌تر برای ورود به مدرسه نیز ارتباط دارد (سولتیس[4] و همکاران، ۲۰۱۵). یافته‌های یک مرور نظام‌مند و فراتحلیل نیز نشان داده است که استرس والدینی با افزایش مشکلات هیجانی و رفتاری در فرزندان ارتباط معناداری دارد (ریباس[5] و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین، می‌توان انتظار داشت استرس مادر از طریق افزایش تعارض خانوادگی، کاهش حساسیت والدگری، حمایت افراطی و تقویت وابستگی کودک، در شکل‌گیری و تداوم اضطراب جدایی و سایر مشکلات هیجانی ـ رفتاری کودکان نقش داشته باشد.

روان‌رنجورخویی مادر می‌تواند با افزایش حساسیت به هیجان‌های منفی، نگرانی و آسیب‌پذیری در برابر فشارهای روزمره، ظرفیت مادر برای مقابله مؤثر با چالش‌های والدگری را کاهش داده و استرس والدینی را افزایش دهد. پژوهشی نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی مادر با کیفیت مراقبت از کودک و مشکلات رفتاری فرزندان ارتباط دارد (چیمینو[6] و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین، استرس والدینی با مشکلات سلامت روان و اختلالات دلبستگی کودکان ارتباط داشته و می‌تواند کیفیت رابطه والد ـ کودک را تحت تأثیر قرار دهد (شرودر[7] و همکاران، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، استرس والدینی با مشکلات هیجانی ـ رفتاری کودکان نیز رابطه دارد و این ارتباط می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌های والدین و کارکرد روانی ـ اجتماعی کودک قرار گیرد (ترواملو[8] و همکاران، ۲۰۲۳؛ دیویدسون[9] و همکاران، ۲۰۲۵). در زمینه اضطراب جدایی، اضطراب مادر، حساسیت مادری و امنیت دلبستگی از عوامل مرتبط با اضطراب جدایی کودک شناخته شده‌اند (دالِر و واینراب، ۲۰۰۵).

با وجود شواهد موجود درباره نقش ویژگی‌های شخصیتی مادران در مشکلات هیجانی کودکان، هنوز درباره سازوکارهایی که از طریق آنها ویژگی‌های شخصیتی مادر می‌توانند به اضطراب جدایی کودک مرتبط شوند، ابهام وجود دارد. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که اضطراب مادر با اضطراب جدایی کودکان ارتباط دارد (اورگیلس و همکاران، ۲۰۱۸). از سوی دیگر، ویژگی‌های شخصیتی والدین، به‌ویژه روان‌رنجورخویی، می‌تواند با تجربه استرس والدینی مرتبط باشد (چیمینو و همکاران، ۲۰۲۳؛ ترواملو و همکاران، ۲۰۲۳) و استرس والدینی نیز با مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان ارتباط دارد (ریباس و همکاران، ۲۰۲۴). با این حال، بیشتر پژوهش‌های پیشین این متغیرها را در روابط دوگانه یا مسیرهای جداگانه بررسی کرده‌اند و شواهد محدودی درباره بررسی هم‌زمان روان‌رنجورخویی مادر، استرس والدینی و اضطراب جدایی کودک در قالب یک مدل میانجی وجود دارد. بنابراین، هنوز مشخص نیست که آیا استرس والدینی می‌تواند بخشی از ارتباط میان آسیب‌پذیری شخصیتی مادر و اضطراب جدایی کودک را تبیین کند. این ابهام در مورد کودکان دارای مشکلات رفتاری اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا ویژگی‌های رفتاری کودک می‌تواند فشارهای والدگری را افزایش دهد و در مقابل، ویژگی‌های شخصیتی و شرایط روان‌شناختی والدین نیز می‌تواند بر نحوه مواجهه آنان با این فشارها اثرگذار باشد (چیمینو و همکاران، ۲۰۲۳؛ دیویدسون و همکاران، ۲۰۲۵). ازاین‌رو، شکاف پژوهشی موجود نه صرفاً در بررسی ارتباط میان روان‌رنجورخویی مادر، استرس والدینی و اضطراب جدایی، بلکه در روشن کردن سازوکار احتمالی این ارتباط و تعیین نقش میانجی استرس والدینی قرار دارد. بررسی این الگو می‌تواند به شناخت دقیق‌تر مسیرهای خانوادگی مرتبط با اضطراب جدایی و شناسایی عوامل قابل‌توجه در مداخلات والد-محور کمک کند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی استرس والدینی در رابطه بین روان‌رنجورخویی مادر و اضطراب جدایی فرزندان دارای مشکلات رفتاری انجام شد.

1 Jones
2 Stone
3 Yaffe
4 Soltis
5 Ribas
6 Cimino
7 Schröder
8 Trumello
9 Davidsson

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-09 ]

## روش

روش پژوهش توصیفی_همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش مادران مراجعه کننده به مراکز مشاوره و خدمات روانشناختی شهر تهران در سال ۱۴۰۴ بودند که به دلیل وجود مشکلات رفتاری در کودکان خود به این مراکز مراجعه کرده بودند. حجم نمونه در این پژوهش با بهره‌گیری از فرمول کلاین[1] (۲۰۱۱) ۲۰۰ نفر محاسبه شد؛ نمونه‌گیری به روش هدفمند از ۵ مرکز به‌صورت حضوری تا تکمیل نمونه مورد نظر انجام شد. رضایت و علاقه جهت شرکت در پژوهش، دامنه سنی ۱۸ الی ۴۰ سال برای مادارن، عدم تجربه سوگ و رویدادهای آسیب‌زا برای مادارن طی شش ماه اخیر، عدم مصرف داروهای روانپزشکی و همچنین عدم طلاق و متارکه و دامنه سنی ۶ الی ۱۲ سال برای کودکان از معیارهای ورود به این پژوهش بود. عدم تمایل به تکمیل پرسشنامه‌ها به‌عنوان معیار خروج لحاظ شد. همه شرکت‌کنندگان در این پژوهش پس از آگاهی کامل از هدف و ماهیت پژوهش، نحوه مشارکت و چگونگی استفاده از اطلاعات، فرم رضایت آگاهانه را تکمیل کرده و با رضایت و اختیار کامل در پژوهش شرکت کردند. به آنان اطمینان داده شد که اطلاعات گردآوری‌شده کاملاً محرمانه بوده و صرفاً برای اهداف علمی پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت و در گزارش نتایج نیز از هرگونه اطلاعاتی که موجب شناسایی هویت آنان شود، خودداری خواهد شد. همچنین شرکت‌کنندگان در جریان این موضوع قرار گرفتند که مشارکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه است و در هر مرحله می‌توانند بدون هیچ‌گونه پیامد منفی از ادامه همکاری انصراف دهند. اجرای پژوهش به‌گونه‌ای انجام شد که برای شرکت‌کنندگان آسیب یا خطر قابل‌توجهی به همراه نداشته باشد و اصول اخلاقی شامل احترام به اختیار و استقلال افراد، حفظ حریم خصوصی، محرمانگی اطلاعات و استفاده صرفاً علمی از داده‌ها در تمامی مراحل پژوهش رعایت شد. در نهایت، تحلیل داده‌ها به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۷ و AMOS نسخه ۲۴ انجام شد.

### ابزار سنجش

**شاخص استرس والدینی- فرم کوتاه[2] (PSI-SF):** این شاخص توسط آبدین[3] (۱۹۹۰) با ۳۶ سوال سه زیرمقیاس آشفتگی والدینی، تعاملات ناکارآمد والد فرزند و ویژگی‌های فرزند مشکل‌آفرین را بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملا مخالفم (نمره ۱) الی کاملا موافقم (نمره ۵) اندازه‌گیری می‌کند. دامنه نمرات در این شاخص بین ۳۵ الی ۱۸۰ است و نمرات بیشتر نشان دهنده استرس بیشتر والدین است (آبدین، ۱۹۹۰). ضریب آلفای کروباخ این شاخص ۰/۹۰ گزارش شده و روایی سازه به روش تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که سه عامل در مجموع ۴۱/۴۵ درصد واریانس را تبیین کردند (آراکنا[4] و همکاران، ۲۰۱۶). در نمونه ایرانی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و روایی همگرا از طریق تعیین ضریب همبستگی با نمره اختلال سلوک ۰/۵۸ محاسبه شده است (فدایی و همکاران، ۱۳۸۹). در مطالعه حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ محاسبه شد.

**سیاهه شخصیت پنج‌عاملی نئو ـ فرم کوتاه[5] (NEO-FFI):** این سیاهه توسط کاستا و مک‌کری[6] (۱۹۹۲) در قالب کوتاه مقیاس شخصیت نئو طراحی شده است. فرم کوتاه این سیاهه شامل ۶۰ سؤال است و پنج عامل اصلی شخصیت شامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی را بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» (نمره ۱) تا «کاملاً موافقم» (نمره ۵) اندازه‌گیری می‌کند. هر یک از پنج عامل توسط ۱۲ سؤال سنجیده می‌شود. برخی از گویه‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند و نمره بالاتر در هر عامل نشان‌دهنده برخورداری بیشتر فرد از ویژگی مورد نظر است. دامنه نمرات هر یک از خرده‌مقیاس‌ها بین ۱۲ تا ۶۰ قرار دارد و نمره کل سیاهه از ۶۰ تا ۳۰۰ متغیر است (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲). در پژوهش حاضر فقط از زیرمقیاس روان‌رنجوری استفاده شده است در مطالعه کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲)، ضرایب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۷، ۰/۷۳، ۰/۶۸ و ۰/۸۱ گزارش شده و روایی سازه این سیاهه به روش تحلیل عاملی اکتشافی با ۵ عامل ۰/۷۴ محاسبه شده است. در نمونه ایرانی بهرامی و سفرلو (۲۰۲۳) ساختار پنج‌عاملی این سیاهه را به روش تحلیل

1 Kline
2 The Parenting Stress Index- Short Form (PSI-SF)
3 Abidin
4 Aracena
5 NEO Five Factor Inventory (NEO-FFI)
6 Costa and McCrae's

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-09 ]

عاملی تاییدی ۰/۷۳ تأیید کردند و ضرایب آلفای کرونباخ را بین ۰/۷۳ الی ۰/۸۱ گزارش کردند. در مطالعه حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس روان‌رنجوری ۰/۷۴ محاسبه شد.

**نسخه والدین مقیاس اضطراب جدایی کودکان[1] (CSAS-P)**: این مقیاس توسط مندز[2] و همکاران (۲۰۲۲) به عنوان نسخه والدین مقیاس اضطراب جدایی کودکان طراحی و اعتباریابی شده است و با هدف ارزیابی فراوانی نشانه‌های اضطراب جدایی در کودکان به کار می‌رود. این مقیاس شامل ۲۰ سؤال است که والدین میزان بروز نشانه‌های اضطراب جدایی در فرزند خود را بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از «هرگز یا تقریباً هرگز» (نمره ۱) تا «همیشه یا تقریباً همیشه» (نمره ۵) گزارش می‌کنند؛ که دامنه نمرات بین ۲۰ الی ۱۰۰ است. این مقیاس چهار مؤلفه نگرانی، مخالفت، آرامش و پریشانی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نمره بالاتر در مؤلفه‌های نگرانی، مخالفت و پریشانی نشان‌دهنده اضطراب جدایی بیشتر و نمره بالاتر در مؤلفه آرامش نشان‌دهنده آرامش بیشتر و اضطراب جدایی کمتر است که به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. در مطالعه اعتبارسنجی اولیه، تحلیل عاملی اکتشافی چهار عامل را شناسایی کرد که در مجموع ۴۲/۹۳ درصد از واریانس را تبیین کردند و ساختار چهارعاملی در تحلیل عاملی تأییدی نیز تأیید شده است. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۴ گزارش شده که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است (مندز و همکاران، ۲۰۲۲). در نمونه ایرانی روایی به روش تحلیل عاملی تاییدی ۰/۷۳ و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش شده است (اسکندری و همکاران، ۲۰۲۶). در مطالعه حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس روان‌رنجوری ۰/۸۰ محاسبه شد.

## یافته ها

در پژوهش حاضر ۲۰۰ نفر از مادران در میانگین و انحراف معیار سنی ۳۲/۷۸±۶/۲۰ سال مشارکت داشتند. فرزندان آن‌ها در میانگین و انحراف معیار سنی ۸/۱۹±۳/۰۹ سال قرار داشتند. از نظر پراکندگی جنسیت ۱۱۹ نفر (۵۹/۵۰ درصد) دختر و ۸۱ نفر (۴۰/۵۰ درصد) پسر بودند. در جدول ۱ یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی پیرسون ارائه شده است.

**جدول ۱: یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی پیرسون**

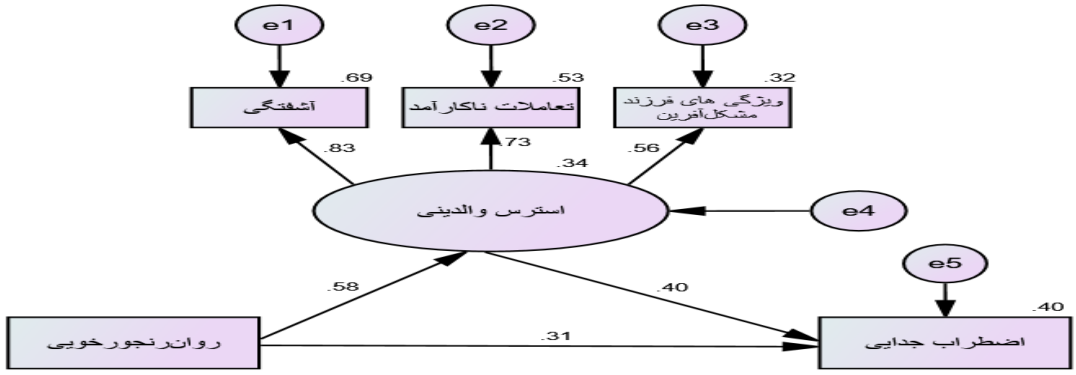
| متغیرها | اضطراب جدایی | روان‌رنجورخویی | استرس والدینی |
|---|---|---|---|
| اضطراب جدایی | ۱ | | |
| روان‌رنجورخویی | ۰/۵۴ ** | ۱ | |
| استرس والدینی | ۰/۵۲ ** | ۰/۴۷ ** | ۱ |
| میانگین | ۴۳/۴۴ | ۳۴/۵۰ | ۵۶/۸۳ |
| انحراف معیار | ۸/۷۰ | ۸/۷۳ | ۹/۶۶ |
| کجی | ۰/۳۵ | -۰/۴۱ | ۰/۰۱ |
| کشیدگی | -۰/۰۸ | -۰/۰۶ | -۰/۲۷ |

نتایج ضرایب همبستگی در جدول ۱ نشان داد که اضطراب جدایی فرزندان با ویژگی شخصیت روان‌رنجورخویی مادران (r=۰/۵۴) و استرس والدینی مادارن (r=۰/۵۲) همبستگی مثبت و معنادار داشت؛ همچنین بین شخصیت روان‌رنجورخویی و استرس والدینی مادارن (r=۰/۴۷) همبستگی مثبت و معنادار وجود داشت (P<۰/۰۵). همچنین بر اساس نتایج جدول ۱ آماره شاخص‌های کجی و کشیدگی در محدوده ۲ الی ۲- قرار داد که نشان دهنده نرمال بودن توزیع داده‌ها در متغیرهای پژوهش است؛ با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها جهت بررسی رابطه خطی بین متغیرها از آزمون پارامتری ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد؛ به منظور اجرای آزمون مدل‌یابی معادلات ساختاری و بررسی برازش مدل پیشنهادی، ابتدا پیش‌فرض‌های استقلال خطاها و عدم هم‌خطی چندگانه بررسی شد، نتایج نشان داد که آماره دوربین واتسون[3] برابر با ۲/۲۱ و در دامنه مطلوبیت ۱/۵۰ تا ۲/۵۰ قرار دارد و بیانگر استقلال باقی‌مانده‌ها است. هم‌چنین هرچه مقدار تولرانس بیش‌تر (نزدیک به عدد ۱) باشد، میزان هم‌خطی پایین است؛ در این مطالعه میزان تلورانس برای متغیرهای پیش‌بین و میانجی ۰/۸۳ محاسبه شد که نشانگر هم‌خطی مطلوب

1 Children's Separation Anxiety Scale–Parent Version
2 Méndez
3 Durbin-Watson

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-09 ]

است. به‌منظور آزمون مدل مفهومی پژوهش از مدل معادلات ساختاری با حداکثر درست‌نمایی استفاده شد، ضرایب مسیر در شکل ۱ ارائه شده است.




**شکل ۱: مدل برازش شده پژوهش در حالت استاندارد**

با توجه به نتایج شکل ۱ بر اساس ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی نقش میانجی استرس والدینی در رابطه بین ویژگی شخصیت روان‌رنجورخویی و اضطراب جدایی در فرزندان در مجموع ۴۰ درصد از واریانس را پیش‌بینی کرد؛ در ادامه ضرایب مسیرهای مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است.

**جدول ۲: ضرایب اثرات مستقیم متغیرهای مدل معادلات ساختاری**

| مسیرها | ضریب استاندارد | خطای استاندارد | مقدار t | حد پایین | حد بالا | معناداری |
|---|---|---|---|---|---|---|
| روان‌رنجورخویی --- اضطراب جدایی | ۰/۳۱ | ۰/۰۷ | ۳/۹۸ | ۰/۱۷ | ۰/۴۱ | ۰/۰۱ |
| استرس والدینی --- اضطراب جدایی | ۰/۴۰ | ۰/۰۸ | ۴/۴۰ | ۰/۲۶ | ۰/۵۴ | ۰/۰۱ |
| روان‌رنجورخویی --- استرس والدینی | ۰/۵۸ | ۰/۰۶ | ۸/۱۵ | ۰/۴۶ | ۰/۶۸ | ۰/۰۱ |

نتایج حاصل در جدول ۲ نشان داد که روان‌رنجورخویی مادران (β=۰/۳۱) و استرس والدینی مادران به‌طور مثبت (β=۰/۴۰) با اضطراب جدایی فرزندان رابطه معنادار داشتند (P<۰/۰۵). روان‌رنجورخویی مادران و استرس والدینی به‌طور مثبت (β=۰/۵۸) رابطه مستقیم و معنادار داشتند (P<۰/۰۵)؛ بنابراین باتوجه به یافته‌های حاضر در جدول ۳ می‌توان گفت روابط مستقیم در متغیرهای مدل معنادار است در ادامه، نتایج تحلیل میانجی در جدول ۳ ارائه شده است.

**جدول ۳: اثرات میانجی مدل معادلات ساختاری**

| مسیرها | ضریب استاندارد | خطای استاندارد | حد پایین | حد بالا | معناداری |
|---|---|---|---|---|---|
| روان‌رنجورخویی --- استرس والدینی – اضطراب جدایی | ۰/۲۳ | ۰/۰۶ | ۰/۱۵ | ۰/۳۶ | ۰/۰۱ |

به منظور بررسی نقش میانجی از روش بوت استرپ استفاده شد، نتیجه در جدول ۳ نشان داد که استرس والدینی (β=۰/۲۳) در رابطه بین روان‌رنجورخویی و اضطراب جدایی نقش میانجی داشت (P<۰/۰۵). در ادامه شاخص‌های برازش حاصل از مدل پیشنهادی در جدول ۴ ارائه شده است.

**جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل مفهومی پژوهش**

| شاخص‌های برازش | دامنه قابل پذیرش | مدل |
|---|---|---|
| خی‌دو (CMIN) | - | ۶/۰۱ |
| مقدار P | ۰/۱۲ | P>۰/۰۵ |
| درجه آزادی (df) | - | ۴ |
| نسبت خی‌دو/درجه آزادی (CMIN/df) | کمتر از ۵ | ۱/۵۰ |

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-09 ]

| | | |
|---|---|---|
| شاخص برازش تطبیقی (CFI) | بزرگتر از ۰/۹۰ | ۰/۹۹ |
| شاخص تناسب افزایشی (IFI) | بزرگتر از ۰/۹۰ | ۰/۹۹ |
| شاخص نیکویی برازش (GFI) | بزرگتر از ۰/۹۰ | ۰/۹۸ |
| ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) | کمتر از ۰/۰۸ | ۰/۰۵ |

نتایج جدول ۴ نشان داد که شاخص‌های برازندگی حاصل از مدل معادلات ساختاری مدل‌یابی نقش میانجی استرس والدینی در رابطه بین روان‌رنجورخویی مادران و اضطراب جدایی فرزندان از برازش مطلوب برخوردار بود، چرا که مقدار نسبت خی‌دو/درجه آزادی (CMIN/df=۱/۵۰) کمتر از ۵ محاسبه شد؛ همچنین شاخص برازش تطبیقی (CFI=۰/۹۹)، شاخص تناسب افزایشی (IFI=۰/۹۹) و شاخص نیکویی برازش (GFI=۰/۹۸) بیشتر از ۰/۹۰ است که نشان دهنده برازش مطلوب در این شاخص‌ها است. در نهایت شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA=۰/۰۵) مطلوب محاسبه شد؛ چرا که کمتر از ۰/۰۸ است که نشان دهنده برازش مطلوب مدل پیشنهادی است.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی استرس والدینی در رابطه بین روان‌رنجورخویی مادران و اضطراب جدایی فرزندان انجام شد. یافته اول پژوهش نشان داد که بین ویژگی شخصیت روان‌رنجورخویی مادران و اضطراب جدایی فرزندان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش روان‌رنجورخویی مادر، احتمال بروز و شدت اضطراب جدایی در فرزند نیز افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش‌های پانایوتو (۲۰۱۶)، اورگیلس و همکاران (۲۰۱۸) و والدس[1] و همکاران (۲۰۲۵) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بر اساس دیدگاه انتقال بین‌نسلی آسیب‌پذیری هیجانی بیان کرد که مادران دارای روان‌رنجورخویی بالا معمولاً حساسیت بیشتری نسبت به تهدید، نگرانی و هیجان‌های منفی دارند و این الگوها می‌تواند از طریق تعاملات روزمره به کودک منتقل شود. از منظر یادگیری اجتماعی نیز کودک ممکن است واکنش‌های اضطرابی مادر، از جمله نگرانی، اجتناب و ارزیابی تهدیدآمیز موقعیت‌های جدایی را مشاهده و الگوبرداری کند و در نتیجه، جدایی را موقعیتی خطرناک و نیازمند حضور مداوم مادر تلقی کند (پانایوتو، ۲۰۱۶). از سوی دیگر، روان‌رنجورخویی بالا می‌تواند با کاهش ثبات هیجانی و افزایش رفتارهای فرزندپروری بیش‌حمایتگرانه همراه شود؛ به‌گونه‌ای که مادر برای کاهش اضطراب خود یا کودک، فرصت تجربه جدایی و کسب استقلال را محدود کند. پژوهش اورگیلس و همکاران (۲۰۱۸) نیز نشان داد که فرزندپروری بیش‌حمایتگرانه در رابطه میان اضطراب صفتی مادر و اضطراب جدایی کودک نقش میانجی دارد. بنابراین، می‌توان فرض کرد که مادر دارای روان‌رنجورخویی بالا، از طریق انتقال الگوهای نگرانی، ایجاد محیط هیجانی ناامن و اتخاذ رفتارهای بیش‌حمایتگرانه، احتمال وابستگی و ترس کودک از جدایی را افزایش می‌دهد. همچنین، شواهد انتقال بین‌نسلی نشان می‌دهد که ارتباط روان‌رنجورخویی مادر با اضطراب فرزندان صرفاً به انتقال ژنتیکی محدود نیست و تأثیرات مادری و محیط خانوادگی نیز در آن نقش دارند (والدس و همکاران، ۲۰۲۵).

یافته دوم پژوهش نشان داد که بین استرس والدینی مادران و اضطراب جدایی فرزندان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به این معنا که هرچه مادران استرس والدینی بیشتری تجربه کنند، احتمال بروز اضطراب جدایی در فرزندان آنان افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش‌های استون و همکاران (۲۰۱۵)، ترواملو و همکاران (۲۰۲۳) و ریباس و همکاران (۲۰۲۴) همسو است. در تبیین این یافته بر اساس نظریه دلبستگی می‌توان بیان کرد که مادر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تنظیم هیجانی کودک، در شرایط استرس و فشار والدینی ممکن است ظرفیت کمتری برای پاسخ‌دهی حساس، آرام و اطمینان‌بخش به نیازهای هیجانی کودک داشته باشد. استرس مزمن والدینی همچنین می‌تواند کیفیت تعامل مادر ـ کودک را کاهش داده و زمینه شکل‌گیری احساس ناامنی و وابستگی بیشتر کودک را فراهم کند. از سوی دیگر، مادران تحت فشار ممکن است برای کاهش اضطراب خود یا کودک، رفتارهای بیش‌حمایتگرانه، کنترل‌کننده یا اجتنابی بیشتری نشان دهند؛ رفتارهایی که فرصت کودک برای تجربه جدایی ایمن و کسب استقلال را محدود می‌کند (ترواملو و همکاران، ۲۰۲۳). پژوهش استون و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان داده است که کنترل روان‌شناختی وابسته‌محور والدین با اضطراب جدایی کودک ارتباط دارد. همچنین، شواهد فراتحلیلی نشان می‌دهد استرس والدینی با مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان ارتباط معناداری دارد و استرس مادران به‌طور خاص با نشانه‌های هیجانی و مشکلات روابط با همسالان مرتبط است (ریباس و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین، در مجموع می‌توان گفت

1 Valdes

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-09 ]

استرس والدینی از طریق کاهش حساسیت و پاسخ‌دهی هیجانی مادر، افزایش رفتارهای کنترل‌گرانه و بیش‌حمایتگرانه و تضعیف احساس امنیت کودک، می‌تواند زمینه افزایش ترس از جدایی و وابستگی کودک به مادر را فراهم سازد.

یافته سوم پژوهش نشان داد که بین ویژگی شخصیت روان‌رنجورخویی مادران و استرس والدینی آنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش روان‌رنجورخویی مادر، میزان استرس تجربه‌شده در نقش والدینی نیز افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش‌های چیمینو و همکاران (۲۰۲۳)، رانتانن و همکاران (۲۰۱۵) و سونگ و هان (۲۰۱۱) همسو است. در تبیین این یافته، بر اساس الگوی پنج‌عاملی شخصیت، روان‌رنجورخویی نشان‌دهنده آمادگی پایدار فرد برای تجربه هیجان‌های منفی، آسیب‌پذیری در برابر فشار و حساسیت بیشتر به تهدید است (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲)؛ بنابراین، مادران دارای روان‌رنجورخویی بالا ممکن است الزامات و دشواری‌های طبیعی فرزندپروری را با شدت بیشتری ادراک و ارزیابی کنند. از منظر نظریه ارزیابی شناختی لازاروس و فولکمن[1] (۱۹۸۴)، استرس زمانی شکل می‌گیرد که فرد یک موقعیت را فراتر از منابع مقابله‌ای خود ارزیابی کند؛ بر این اساس، مادران روان‌رنجور ممکن است رفتارهای کودک، مسئولیت‌های مراقبتی و چالش‌های روزمره والدگری را تهدیدآمیزتر ارزیابی کرده و توانایی خود برای مدیریت آنها را ناکافی‌تر ادراک کنند. در نتیجه، تفاوت در شیوه ارزیابی شناختی می‌تواند موجب شود یک موقعیت والدگری مشابه، برای مادر روان‌رنجور با فشار و استرس بیشتری همراه باشد. یافته‌های چیمینو و همکاران (۲۰۲۳) نیز نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی مادر با پریشانی والدینی و کیفیت مراقبت از کودک ارتباط دارد و از این طریق می‌تواند بر تنظیم هیجانی و رفتاری فرزند اثر بگذارد. از سوی دیگر، بر اساس مدل فرایند والدگری، ویژگی‌های فردی والد بخشی از زمینه‌ای را تشکیل می‌دهند که نحوه ادراک نیازهای کودک، پاسخ‌دهی والد و کیفیت تعامل والد ـ کودک را شکل می‌دهد؛ بنابراین، روان‌رنجورخویی بالا می‌تواند ظرفیت مادر برای پاسخ‌دهی آرام و انعطاف‌پذیر را کاهش دهد و به افزایش استرس والدینی منجر شود. همچنین، یافته‌های پژوهش‌های مربوط به استرس والدینی نشان داده‌اند که فشار والدگری با کاهش کیفیت عملکرد والدینی و افزایش مشکلات هیجانی و رفتاری کودک ارتباط دارد (کِرام و مورلند، ۲۰۱۷؛ ریباس و همکاران، ۲۰۲۴). بر این اساس، می‌توان روان‌رنجورخویی را یک عامل آسیب‌پذیری شخصیتی در نظر گرفت که از طریق افزایش واکنش‌پذیری هیجانی، حساسیت به تهدید، ارزیابی منفی موقعیت‌های والدگری و کاهش احساس کفایت، احتمال تجربه استرس والدینی را افزایش می‌دهد (ترواملو و همکاران، ۲۰۲۳).

یافته چهارم نشان داد که روان‌رنجورخویی مادران از طریق استرس والدینی با افزایش اضطراب جدایی فرزندان ارتباط دارد. این یافته با پژوهش‌های چیمینو و همکاران (۲۰۲۳)، ریباس و همکاران (۲۰۲۴) و اورگیلس و همکاران (۲۰۱۸) همخوان است. از دیدگاه نظری، می‌توان این یافته را در قالب یک فرایند چندمرحله‌ای تبیین کرد که در آن ویژگی شخصیتی مادر ابتدا بر نحوه ادراک و تجربه فشارهای والدگری اثر می‌گذارد و سپس پیامدهای این فشار از طریق تعامل مادر ـ کودک به کودک منتقل می‌شود. بر اساس مدل پنج‌عاملی شخصیت، روان‌رنجورخویی با آمادگی بیشتر برای تجربه هیجان‌های منفی، نگرانی، آسیب‌پذیری و حساسیت به فشار همراه است (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲)؛ بنابراین، این ویژگی می‌تواند مادر را نسبت به الزامات و چالش‌های والدگری آسیب‌پذیرتر کند. بر اساس نظریه ارزیابی شناختی لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴)، استرس زمانی ایجاد می‌شود که فرد یک موقعیت را فراتر از منابع مقابله‌ای خود ارزیابی کند؛ ازاین‌رو، مادر دارای روان‌رنجورخویی بالا ممکن است مسئولیت‌های والدگری و رفتارهای کودک را تهدیدکننده‌تر ارزیابی کرده و استرس بیشتری تجربه کند. تداوم این وضعیت می‌تواند ظرفیت مادر برای تنظیم هیجان و پاسخ‌دهی حساس و پایدار به نیازهای کودک را کاهش دهد؛ موضوعی که در چارچوب نظری کیفیت مراقبت مادری و پریشانی والدینی نیز قابل تبیین است (چیمینو و همکاران، ۲۰۲۳). از منظر نظریه دلبستگی، کودک برای شکل‌گیری احساس امنیت به مراقب پاسخگو و قابل پیش‌بینی نیاز دارد و اختلال در حساسیت و ثبات پاسخ‌دهی مراقب می‌تواند زمینه وابستگی و ناامنی بیشتر کودک را فراهم کند (دالِر و واینراب، ۲۰۰۵). در چنین شرایطی، مادر ممکن است برای کاهش ناراحتی خود یا کودک، به اطمینان‌بخشی مکرر، همراهی افراطی و محدود کردن موقعیت‌های جدایی روی آورد؛ در نتیجه، کودک فرصت کمتری برای تجربه جدایی ایمن و کسب استقلال پیدا می‌کند. از منظر یادگیری اجتماعی نیز، کودک می‌تواند واکنش‌های اضطرابی و نگرانی مادر را مشاهده کرده و از طریق الگوبرداری، جدایی را به‌عنوان موقعیتی تهدیدکننده یاد بگیرد. همچنین، هنگامی که حضور دائمی مادر به‌طور مکرر اضطراب کودک را کاهش می‌دهد، این رفتار می‌تواند از طریق تقویت منفی پایدار شود و وابستگی کودک را حفظ کند. بنابراین، استرس والدینی را می‌توان حلقه واسطی دانست که آسیب‌پذیری شخصیتی مادر را به کیفیت

1 Lazarus & Folkman

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-09 ]

تعامل والد ـ کودک و سپس به تجربه اضطرابی کودک منتقل می‌کند (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴؛ کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲؛ دالِر و واینراب، ۲۰۰۵؛ چیمینو و همکاران، ۲۰۲۳).

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان داد که روان‌رنجورخویی و استرس والدینی مادران هر دو با افزایش اضطراب جدایی فرزندان ارتباط دارند؛ همچنین، نقش میانجی استرس والدینی نشان داد که بخشی از ارتباط روان‌رنجورخویی مادر با اضطراب جدایی کودک از طریق افزایش استرس والدینی و پیامدهای آن در تعامل مادر ـ کودک تبیین می‌شود. بنابراین، ویژگی‌های شخصیتی مادر و فرایندهای والدگری، در کنار عوامل مربوط به کودک، از عوامل مهم در تبیین اضطراب جدایی به شمار می‌روند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن نمونه به مادران مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر تهران و استفاده از نمونه‌گیری هدفمند اشاره کرد که تعمیم‌پذیری یافته‌ها را محدود می‌کند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با روش‌های نمونه‌گیری تصادفی و مشارکت خانواده‌ها از شهرها و گروه‌های جمعیتی مختلف انجام شوند. همچنین، مقطعی و همبستگی بودن طرح پژوهش، امکان استنباط روابط علّی میان متغیرها را محدود می‌کند؛ ازاین‌رو، استفاده از طرح‌های طولی و مداخله‌ای برای بررسی مسیرهای علّی پیشنهاد می‌شود. در نهایت، اتکای پژوهش به پرسشنامه‌های خودگزارشی مادران می‌تواند تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی قرار گیرد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده از روش‌های چندمنبعی مانند گزارش پدر و معلم، مصاحبه بالینی و مشاهده تعامل مادر ـ کودک نیز استفاده کنند. با توجه به نقش میانجی استرس والدینی، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های پیشگیری و درمان اضطراب جدایی کودکان، مداخلات کاهش استرس والدینی و آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان و فرزندپروری به مادران گنجانده شود تا با کاهش فشار روانی مادر و بهبود کیفیت تعامل مادر ـ کودک، اضطراب جدایی کودک نیز کاهش یابد.

## منابع

فدایی، ز.، دهقانی، م.، طهماسیان، ک.، و فرهادی، ف. (۱۳۸۹). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی فرم کوتاه- شاخص استرس فرزند پروری (PSI-SF) مادران کودکان عادی ۱۲-۷ سال. *تحقیقات علوم رفتاری، ۸* (۲)، ۸۱-۹۱. https://rbs.mui.ac.ir/article-1-171-fa.html

Abidin, R. R. (1990). *Parenting stress index/short form*. Lutz, FL: Psychological Assessment Resources, Inc.

American Psychiatric Association. (2022). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders* (5th ed., text rev.; DSM-5-TR). American Psychiatric Association Publishing.

Aracena, M., Gómez, E., Undurraga, C., Leiva, L., Marinkovic, K., & Molina, Y. (2016). Validity and reliability of the Parenting Stress Index Short Form (PSI-SF) applied to a Chilean sample. *Journal of Child and Family Studies*, *25*, 3554-3564. https://doi.org/10.1007/s10826-016-0520-8

Bahrami, B., & Safarloo, N. (2023). Psychometric properties of the persian version of the five-factor narcissism inventory-short form (FFNI-SF). *Iranian journal of psychiatry*, *18*(2), 173. https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC10293698/

Cimino, S., Tambelli, R., & Cerniglia, L. (2023). The role of maternal personality organization and of the p factor in predicting parental distress, the quality of parental care, and offspring's dysregulation symptoms. *Psychology Research and Behavior Management*, 3963-3971. https://doi.org/10.2147/PRBM.S423698

Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). *NEO PI-R professional manual: Revised NEO Personality Inventory (NEO PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI)*. Psychological Assessment Resources.

Crum, K. I., & Moreland, A. D. (2017). Parental stress and children's social and behavioral outcomes: The role of abuse potential over time. *Journal of Child and Family Studies*, *26*(11), 3067-3078. https://link.springer.com/article/10.1007/S10826-017-0822-5

Dallaire, D. H., & Weinraub, M. (2005). Predicting children's separation anxiety at age 6: The contributions of infant–mother attachment security, maternal sensitivity, and maternal separation anxiety. *Attachment & human development*, *7*(4), 393-408. https://doi.org/10.1080/14616730500365894

Davidsson, M., Oldmark, M., Hagberg, B., Gillberg, C., & Billstedt, E. (2025). Parenting stress and neurodevelopmental disorders: The associations of parental factors and child psychosocial functioning. *Journal of child and family studies*, *34*(4), 883-894. https://doi.org/10.1007/s10826-025-03042-x

Ellenbogen, M. A., & Hodgins, S. (2004). The impact of high neuroticism in parents on children's psychosocial functioning in a population at high risk for major affective disorder: A family–environmental pathway of intergenerational risk. *Development and psychopathology*, *16*(1), 113-136. https://doi.org/10.1017/S0954579404044438

Eskandari, E., Akrami, N., Namdari, K., & Abedi, A. (2026). The effect of reflective parenting on children's separation anxiety symptoms, parent-child relationship, and emotional style in mothers of children with separation anxiety disorder. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, *28*(1), 55. https://doi.org/10.22038/JFMH.2025.88497.3250

Jones, J. H., Call, T. A., Wolford, S. N., & McWey, L. M. (2021). Parental stress and child outcomes: The mediating role of family conflict. *Journal of Child and Family Studies*, *30*(3), 746-756. https://doi.org/10.1007/s10826-021-01904-8

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-09 ]

Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling (3th ed.).* Guilford publications. https://psycnet.apa.org/record/2010-18801-000

Koutra, K., Roumeliotaki, T., Kyriklaki, A., Kampouri, M., Sarri, K., Vassilaki, M., ... & Chatzi, L. (2017). Maternal depression and personality traits in association with child neuropsychological and behavioral development in preschool years: Mother-child cohort (Rhea Study) in Crete, Greece. *Journal of affective disorders*, *217*, 89-98. https://doi.org/10.1016/j.jad.2017.04.002

Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal, and coping*. New York, NY: Springer.

Lobato, D., Flujas-Contreras, J. M., Montesinos, F., & Montoya-Rodríguez, M. M. (2026). An Intervention Based on Acceptance and Commitment Therapy for Childhood Separation Anxiety: A Case Study. *Behavioral Sciences*, *16*(1), 82. https://doi.org/10.3390/bs16010082

Méndez, X., Espada, J. P., Ortigosa, J. M., & García-Fernández, J. M. (2022). Validation of the children's separation anxiety scale–parent version (CSAS-P). *Frontiers in psychology*, *13*, 783943. https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/35478739/

Orgilés, M., Penosa, P., Morales, A., Fernández-Martínez, I., & Espada, J. P. (2018). Maternal anxiety and separation anxiety in children aged between 3 and 6 years: the mediating role of parenting style. *Journal of Developmental & Behavioral Pediatrics*, *39*(8), 621-628. https://doi.org/10.1097/DBP.0000000000000593

Orgilés, M., Penosa, P., Morales, A., Fernández-Martínez, I., & Espada, J. P. (2018). Maternal anxiety and separation anxiety in children aged between 3 and 6 years: the mediating role of parenting style. *Journal of Developmental & Behavioral Pediatrics*, *39*(8), 621-628. https://doi.org/10.1097/DBP.0000000000000593

Panayiotou, G. (2016). Maternal neuroticism predicts social anxiety in Cypriot youth: The mediating role of child personality and anxiety sensitivity. *International Journal of Adolescence and Youth*, *21*(3), 391-401. https://doi.org/10.1080/02673843.2013.866147

Pini, S., Milrod, B., Nardi, B., Massimetti, G., Bonelli, C., Baldwin, D. S., ... & Carpita, B. (2025). Relationship between anhedonia, separation anxiety, attachment style and suicidality in a large cohort of individuals with mood and anxiety disorders. *Journal of Affective Disorders*, *379*, 421-428. https://doi.org/10.1016/j.jad.2025.02.108

Ribas, L. H., Montezano, B. B., Nieves, M., Kampmann, L. B., & Jansen, K. (2024). The role of parental stress on emotional and behavioral problems in offspring: A systematic review with meta-analysis. *Jornal de pediatria*, *100*(6), 565-585. https://doi.org/10.1016/j.jped.2024.02.003

Sahithya, B. R. (2020). *The Influence of Parental Personality and Parenting Styles on Children with Anxiety: A Comparison of Clinical and Non Clinical Population* (Doctoral dissertation, Rajiv Gandhi University of Health Sciences (India)).

Schiele, M. A., & Domschke, K. (2021). Separation anxiety disorder. *Der Nervenarzt*, *92*(5), 426-432. https://doi.org/10.1007/s00115-020-01037-1

Schröder, M., Seker, S., d'Huart, D., Izat, Y., Bolten, M., Schmeck, K., & Schmid, M. (2022). The relationship of temperament and character, parental stress, and mental health problems with attachment disorders among children. *International journal of environmental research and public health*, *19*(23), 15458. https://doi.org/10.3390/ijerph192315458

Soltis, K., Davidson, T. M., Moreland, A., Felton, J., & Dumas, J. E. (2015). Associations among parental stress, child competence, and school-readiness: Findings from the PACE study. *Journal of child and family studies*, *24*(3), 649-657. https://doi.org/10.1007/s10826-013-9875-2

Stone, L. L., Otten, R., Soenens, B., Engels, R. C., & Janssens, J. M. (2015). Relations between parental and child separation anxiety: the role of dependency-oriented psychological control. *Journal of Child and Family Studies*, *24*(11), 3192-3199. https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC4598341/

Tabei, M., Hasani, H., Bonabi, T. N., Kargar, N., & Tamadon, F. (2025). Effects of laughter yoga on separation anxiety in kindergarten children: Children's characteristics and related factors. *Acta Psychologica*, *258*, 105281. https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0001691825005943

Trumello, C., Ballarotto, G., Ricciardi, P., Paciello, M., Marino, V., Morelli, M., ... & Babore, A. (2023). Mothers and fathers of pre-school children: A study on parenting stress and child's emotional-behavioral difficulties. *Current Psychology*, *42*(29), 25367-25378. https://doi.org/10.1007/s12144-022-03599-6

Valdes, V., Craighead, L. W., Nelson III, C. A., & Bosquet Enlow, M. (2025). Longitudinal interactions between maternal depression symptoms and familial stressful life events on child anxiety symptoms at 5 years of age. *Infancy*, *30*(1), e12628. https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/pmid/39340803/

Weeks, G. A., Sakmar, E., Clark, T. A., Rose, A. M., Silverman, W. K., & Lebowitz, E. R. (2026). Family accommodation and separation anxiety: The moderating role of child attachment. *Child Psychiatry & Human Development*, *57*(2), 314-323. https://doi.org/10.1007/s10578-024-01705-2

Yaffe, Y. (2026). Parental overprotection and locus of control as the mechanisms explaining the relationship between parent and child anxiety: A multiple mediation model. *Child Psychiatry & Human Development*, *57*(3), 927-940. https://doi.org/10.1007/s10578-024-01757-4

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-09 ]